

جایگاه عدالت در اندیشه آیت الله ملک حسینی

مهدی گودرزی مطلق^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۳/۲۸

چکیده

این مقاله به بررسی جایگاه عدالت در اندیشه آیت الله ملک حسینی می‌پردازد. در اندیشه آیت الله ملک حسینی، عدالت جایگاهی بنیادین و چندبعدی دارد که نه تنها در ساحت فقه و حقوق، بلکه در عرصه‌های اخلاق، حکومت‌داری و حیات اجتماعی نیز بروز و ظهور می‌یابد. او عدالت را امری فطری، الهی و جاری در تمام سطوح حیات انسان می‌داند؛ عنصری که ضامن برقراری توازن، امنیت و کرامت انسانی است. به باور ایشان، عدالت تنها مفهومی انتزاعی یا شعاری نیست، بلکه نیازمند تحقق عینی در ساختارهای فردی و اجتماعی است. ملک حسینی با تکیه بر مبانی قرآنی و تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام، بر این نکته تأکید دارد که عدالت مقدمه‌ای برای رشد و تعالی انسان‌هاست و هرگونه انحراف از آن، منجر به تضعیف ایمان، افزایش ظلم و فروپاشی اعتماد عمومی می‌شود. از نگاه او، یکی از رسالت‌های اصلی حکومت اسلامی، اجرای عدالت در سطوح مختلف جامعه است؛ از توزیع عادلانه منابع گرفته تا رفع تبعیض و فساد. با توجه به اهمیت عدالت به عنوان یکی از اصول بنیادین در نظام اسلامی، هدف این مقاله تحلیل و تبیین نظرات این شخصیت علمی و دینی در حوزه‌های مختلف عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. در این راستا، ابتدا مفهوم عدالت در متون دینی و سپس دیدگاه‌های آیت الله ملک حسینی در خصوص تحقق عدالت در جامعه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین چالش‌ها و موانع موجود در مسیر تحقق عدالت و راهکارهای پیشنهادی ایشان برای رفع این موانع نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

عدالت، آیت الله ملک حسینی، اندیشه اسلامی، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت فردی، چالش‌های عدالت

^۱ کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (Mehdigm423@gmail.com)*

۱. مقدمه

آیت الله ملک حسینی، یکی از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در عرصه علوم دینی و اجتماعی ایران و جهان اسلام است. ایشان در قرن بیستم میلادی و در دوران پرتحول تاریخ معاصر ایران به دنیا آمد و با تلاش‌های علمی و اجتماعی خود، تأثیر عمیقی بر افکار و اندیشه‌های مسلمانان گذاشت (نجفی، ۱۳۷۹). آیت الله ملک حسینی با تربیت دینی و علمی خود، توانست به عنوان یک مرجع تقلید و فقیه برجسته، در عرصه‌های مختلف فکری و اجتماعی، نقشی کلیدی ایفا کند. آیت الله ملک حسینی در خانواده‌ای مذهبی و متعهد به اصول اسلامی به دنیا آمد. ایشان از سنین جوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در حوزه‌های علمیه، به ویژه در قم، به یادگیری فقه، اصول، فلسفه و عرفان اسلامی پرداخت. شخصیت علمی ایشان به سرعت در میان طلاب و علمای دین شناخته شد و به عنوان یکی از مراجع تقلید مورد احترام قرار گرفت (سجادی، ۱۳۸۰). ایشان در کنار تحصیل، به تدریس و تربیت طلاب جوان نیز پرداخت و به گسترش علم و دانش در جامعه اسلامی کمک کرد. آیت الله ملک حسینی در آثار خود به بررسی مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پرداخته و همواره بر اهمیت عدالت در جامعه تأکید کرده است. او با توجه به تجارب و مشاهدات خود از اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران، به نقد و بررسی نابرابری‌ها و مشکلات موجود در جامعه پرداخت و به دنبال راهکارهایی برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی بود (اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۷۸). یکی از ویژگی‌های بارز اندیشه‌های ایشان، توجه به نیازهای واقعی جامعه و تلاش برای پاسخگویی به آن‌ها بود.

در اندیشه آیت الله ملک حسینی، عدالت نه تنها یک اصل اخلاقی بلکه یک ضرورت اجتماعی است. او بر این باور بود که تحقق عدالت می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه کمک کند و زمینه‌ساز پیشرفت و توسعه پایدار باشد (رضوی جیفانی، خشایار، ۱۴۰۴). ایشان به عنوان یک فقیه و عالم دین، همواره بر اهمیت نقش دولت و نهادهای اجتماعی در تحقق عدالت تأکید می‌کرد و بر این باور بود که مسئولیت‌پذیری نهادها و حکومت‌ها در این زمینه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیت الله ملک حسینی با تأسیس مؤسسات آموزشی و پژوهشی، سعی در گسترش علم و دانش داشت و به تربیت نسل‌های جدید از طلاب و دانشجویان اهتمام ورزید. او با برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی، به ترویج اندیشه‌های اسلامی و معرفی مبانی فکری خود پرداخت و در تلاش بود تا نسل جوان را به اهمیت عدالت و ضرورت تحقق آن در جامعه آشنا کند (حاجی حسینی، ۱۳۸۸).

از دیگر ویژگی‌های آیت الله ملک حسینی، نگاه عمیق و جامع ایشان به مسائل اجتماعی و سیاسی بود. او به عنوان یک عالم دین، همواره در پی تحقق آرمان‌های اسلامی و انسانی بود و تلاش می‌کرد تا با تکیه بر مبانی دینی، راهکارهایی عملی برای حل مشکلات جامعه ارائه دهد (دهشیری، ۱۳۷۸). به همین دلیل، اندیشه‌های ایشان نه تنها در ایران بلکه در دیگر کشورهای اسلامی نیز مورد توجه و استقبال قرار گرفت. در این مقاله، به بررسی دقیق‌تر جایگاه عدالت در اندیشه آیت الله ملک حسینی خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم کرد تا ابعاد مختلف این اندیشه را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحلیل کنیم. هدف اصلی این مقاله، تبیین و تشریح نظرات ایشان در مورد عدالت و ارائه راهکارهایی برای تحقق آن در جامعه اسلامی است.

۲- چهارچوب نظری

۳- مفهوم عدالت

عدالت یکی از اصول بنیادین در اندیشه‌های اسلامی است که در متون دینی، فلسفی و اجتماعی به‌طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم، خداوند به صراحت به اجرای عدالت در رفتارها و تصمیمات بشری اشاره کرده و آن را به عنوان یکی از ویژگی‌های متقین و مؤمنان معرفی کرده است. در آیات مختلف قرآن، عدالت به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی و اخلاقی برای مسلمانان مطرح شده است (رحمدل، ۱۳۸۴). این تأکید بر عدالت نشان‌دهنده اهمیت آن در ساختار جامعه اسلامی و توسعه روابط انسانی است. عدالت به معنای توازن، انصاف و رعایت حقوق دیگران است. در اندیشه اسلامی، عدالت نه تنها در حوزه حقوق فردی، بلکه در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز مطرح می‌شود. این مفهوم به‌طور خاص در فقه اسلامی، که به بررسی مسائل حقوقی و اخلاقی می‌پردازد، مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان یک اصل اساسی در نظام قضایی و حکومتی اسلامی شناخته می‌شود (رضوی جیفانی، خشایار، ۱۴۰۴). در حقیقت، عدالت در اسلام به‌عنوان یک ارزش کلیدی در تحقق جامعه‌ای سالم و متعادل عمل می‌کند و به برقراری نظم اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها کمک می‌کند.

تاریخ اسلام نیز شاهد تلاش‌های مداوم انبیا و اولیای الهی در راستای تحقق عدالت بوده است. پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان الگوی کامل انسانی، همواره بر اهمیت عدالت در روابط اجتماعی تأکید می‌کرد و در زمان حکومت خویش، سعی در برقراری نظامی عادلانه داشت. او می‌فرمود: «السلطان ولیّ من لا ولیّ له» (سلطان ولی کسی است که ولی ندارد) و بدین ترتیب به مسئولیت‌های حکومتی در برقراری عدالت اشاره می‌کرد (اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۷۸). این نگرش به عدالت در تاریخ اسلام، به‌ویژه در دوران معصومین، ادامه یافته و به‌عنوان یکی از اهداف اصلی حکومت‌های اسلامی مطرح شده است. در اندیشه‌های فلاسفه اسلامی نیز عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد. فیلسوفانی چون ابن سینا و فارابی به بررسی مفهوم عدالت پرداخته و آن را به‌عنوان یکی از ارکان اساسی مدینه فاضله معرفی کرده‌اند (دهشیری، ۱۳۷۸). این رویکرد فلسفی به عدالت، تأثیر عمیقی بر فهم اسلامی از این مفهوم و نحوه پیاده‌سازی آن در جامعه داشته است.

در دنیای معاصر، با توجه به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی که جوامع اسلامی با آن مواجه هستند، ضرورت توجه به مفهوم عدالت بیش از پیش احساس می‌شود. نابرابری‌های اقتصادی، فساد اداری، تبعیض‌های اجتماعی و سیاسی، از جمله مسائلی هستند که نیاز به بازنگری در مفهوم عدالت و تحقق آن در زندگی روزمره را ضروری می‌سازند (کوچی و نویسندگان، ۱۴۰۰). در این راستا، علمای دینی و فلاسفه اسلامی به تبیین و تشریح ابعاد مختلف عدالت و راهکارهای عملی برای تحقق آن در جوامع اسلامی پرداخته‌اند. آیت الله ملک حسینی به‌عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته دینی، همواره بر اهمیت عدالت در اندیشه‌های اسلامی تأکید کرده و با نقد و بررسی نابرابری‌ها و مشکلات موجود در جامعه، به دنبال راهکارهایی برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی بوده است. او بر این باور است که عدالت نه تنها یک اصل اخلاقی، بلکه یک ضرورت اجتماعی است که می‌تواند به بهبود وضعیت زندگی افراد و جامعه کمک کند (پور فرد، ۱۳۸۷). در نهایت، می‌توان گفت که عدالت در اندیشه‌های اسلامی نه تنها یک اصل اخلاقی و دینی، بلکه یک ضرورت اجتماعی و سیاسی است که نقش کلیدی در برقراری نظم و ثبات در جامعه دارد. این مفهوم در طول تاریخ اسلام، همواره مورد تأکید قرار گرفته و نیاز به تحقق آن در دنیای معاصر بیش از پیش احساس می‌شود. (حاجی حسینی،

۴- آیت‌الله ملک حسینی و جایگاه عدالت

آیت‌الله ملک حسینی، یکی از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در عرصه دین و اندیشه‌های اسلامی، در آثار و سخنرانی‌های خود به‌طور مداوم به اهمیت و جایگاه عدالت در زندگی فردی و اجتماعی تأکید می‌کند. از نظر ایشان، عدالت نه تنها یک اصل اخلاقی بلکه یک ضرورت اجتماعی است که می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه کمک کند. آیت‌الله ملک حسینی با بررسی دقیق متون دینی، به‌ویژه آیات قرآن و احادیث پیامبر اکرم (ص)، به این نتیجه می‌رسد که عدالت به‌عنوان یک ارزش کلیدی در نظام اسلامی، باید در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی پیاده‌سازی شود. او بر این باور است که اجرای عدالت می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها، جلوگیری از ظلم و فساد و در نهایت، ارتقاء رفاه عمومی کمک کند. ایشان به‌ویژه بر عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد و معتقد است که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع اسلامی است که برای حل آن‌ها، باید به عدالت توجه ویژه‌ای شود. آیت‌الله ملک حسینی تأسیس نهادها و مؤسسات خیریه و اجتماعی را به‌عنوان راهکارهایی برای تحقق عدالت اجتماعی مطرح می‌کند و بر لزوم مسئولیت‌پذیری نهادهای دولتی در این زمینه تأکید می‌کند. او بر این عقیده است که دولت‌ها باید به‌عنوان ضامن اجرای عدالت در جامعه عمل کنند و شفافیت و پاسخگویی در عملکرد آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (نجفی، ۱۳۷۹).

آیت‌الله ملک حسینی همچنین بر اهمیت عدالت در روابط بین‌الملل تأکید دارد و معتقد است که کشورهای اسلامی باید در مناسبات خود با یکدیگر و دیگر ملت‌ها، به اصول عدالت پایبند باشند. از دیدگاه ایشان، اجرای عدالت در سطح جهانی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها کمک کرده و زمینه‌ساز صلح و دوستی میان ملت‌ها شود. در نهایت، آیت‌الله ملک حسینی به‌عنوان یک عالم دین، همواره بر این نکته تأکید می‌کند که تحقق عدالت در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک نیاز اساسی برای دستیابی به توسعه و پیشرفت پایدار است. با توجه به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی که جوامع امروزی با آن مواجه هستند، توجه به مفاهیم عدالت و اجرای آن در تمامی سطوح زندگی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. آیت‌الله ملک حسینی با تلاش‌های خود در ترویج این اصول، به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و انسانی‌تر است و بر این باور است که تنها با برقراری عدالت می‌توان به آرامش و ثبات اجتماعی دست یافت. به این ترتیب، جایگاه عدالت در اندیشه‌های ایشان به‌عنوان یک اصل اساسی در تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی مطرح می‌شود که نیازمند توجه جدی از سوی همه افراد و نهادهاست. (اخوان کاظمی، بهرام. ۱۳۷۸).

۵- مفهوم عدالت در اندیشه ملک حسینی

آیت‌الله ملک حسینی عدالت را به‌عنوان یکی از ارکان اساسی دین اسلام معرفی می‌کند و بر این عقیده است که عدالت باید در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها جاری باشد. از نظر ایشان، عدالت به معنای رعایت حقوق دیگران، برقراری توازن در روابط اجتماعی و اقتصادی، و فراهم کردن شرایط برابر برای تمامی افراد جامعه است. ایشان تأکید می‌کند که عدالت باید در تمامی سطوح، از خانواده گرفته تا نهادهای اجتماعی و دولتی، به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد (فدایی مهربانی، ۱۳۸۶). آیت‌الله ملک حسینی معتقد است که عدالت در بستر فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند به عنوان یک اصل کلیدی در بهبود وضعیت جامعه عمل کند. او بر این باور است که هرگونه نابرابری و بی‌عدالتی می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شود و به همین دلیل، ضروری است که مسلمانان در رفتارهای

خود به عدالت پایبند باشند. ایشان همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که تحقق عدالت در جامعه اسلامی به معنای تأمین حقوق همه افراد، از جمله اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر است. آیت‌الله ملک حسینی بر لزوم شفافیت و پاسخگویی در نهادهای دولتی تأکید دارد و می‌گوید که دولت‌ها باید به‌عنوان ضامن اجرای عدالت در جامعه عمل کنند. او معتقد است که بدون وجود یک نظام قضایی عادل و کارآمد، تحقق عدالت ممکن نخواهد بود. از نظر ایشان، عدالت اجتماعی به‌عنوان یک اصل اساسی در فقه اسلامی، باید در تمامی سطوح نهادهای اجتماعی و دولتی پیاده‌سازی شود تا بتواند به کاهش نابرابری‌ها و ارتقاء رفاه عمومی کمک کند. (اتفاق‌فر، و ولدی، ۱۳۹۹).

آیت‌الله ملک حسینی تأکید می‌کند که مفهوم عدالت باید در تمامی ابعاد زندگی مسلمانان، از روابط خانوادگی گرفته تا تعاملات اجتماعی و سیاسی، جاری و ساری باشد. او بر این باور است که تنها با اجرای عدالت می‌توان به آرامش و ثبات اجتماعی دست یافت و جامعه‌ای سالم و پیشرفته ایجاد کرد. به این ترتیب، آیت‌الله ملک حسینی مفهوم عدالت را به‌عنوان یک نیاز اساسی برای توسعه پایدار و پیشرفت جامعه اسلامی مطرح می‌کند که همواره باید مورد توجه قرار گیرد. (سجادی، ۱۳۸۰).

۶- عدالت در قرآن و سنت

آیت‌الله ملک حسینی در تفسیر و تحلیل آیات قرآن و احادیث پیامبر اکرم (ص) به اهمیت عدالت به‌عنوان یکی از اصول بنیادین دین اسلام اشاره می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که خداوند در قرآن کریم بارها بر لزوم رعایت عدالت تأکید کرده است (پور فرد، ۱۳۸۷) او به آیات مختلفی اشاره می‌کند که در آن‌ها خداوند از مسلمانان می‌خواهد در راستای اجرای عدالت قیام کنند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند. به‌عنوان مثال، در آیه ۱۳۵ سوره نساء، خداوند از مؤمنان می‌خواهد که به عدالت شهادت دهند، حتی اگر این شهادت به ضرر خودشان یا نزدیکانشان باشد. این دستور الهی نشان‌دهنده اهمیت والای عدالت در نظام اجتماعی و اخلاقی اسلام است. آیت‌الله ملک حسینی به‌طور خاص به آیه ۸ سوره مائده نیز اشاره می‌کند که در آن خداوند از مسلمانان می‌خواهد در مسیر عدالت قدم بردارند و به‌طور صحیح در موارد مختلف قضاوت کنند (فدایی مهربانی، ۱۳۸۶). علاوه بر این، آیت‌الله ملک حسینی به سنت پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند و می‌گوید که ایشان همواره بر اهمیت برقراری عدالت در جامعه تأکید داشت. پیامبر (ص) به‌عنوان الگویی برای مسلمانان در این زمینه شناخته می‌شود و رفتارهای ایشان در بسیاری از موارد به‌وضوح نشان‌دهنده پایبندی به اصول عدالت است. آیت‌الله ملک حسینی به احادیثی اشاره می‌کند که در آن‌ها پیامبر (ص) بر لزوم رعایت حقوق دیگران و برقراری توازن در روابط اجتماعی تأکید دارد. به‌عنوان مثال، ایشان در حدیثی می‌فرماید: «السلطان ظل الله فی الارض» که به معنای این است که حاکم باید به‌عنوان سایه خداوند در زمین عمل کند و عدالت را در جامعه برقرار سازد (حاجی حسینی، ۱۳۸۸).

آیت‌الله ملک حسینی معتقد است که در دنیای امروز، با توجه به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی، توجه به اصول عدالت که در قرآن و سنت پیامبر (ص) به‌روشنی بیان شده است، بیش از پیش ضروری است. او تأکید می‌کند که مسلمانان باید با الگوبرداری از آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر (ص)، به اجرای عدالت در جامعه بپردازند و این امر را به‌عنوان یک وظیفه دینی تلقی کنند. او همچنین بر این نکته تأکید دارد که عدالت نه تنها در روابط فردی بلکه در روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز باید در نظر گرفته شود تا جامعه‌ای عادلانه و متعادل شکل گیرد (رحمدل، ۱۳۸۴) آیت‌الله ملک حسینی بر این باور است که تحقق عدالت در جامعه اسلامی تنها با پیروی از آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر (ص) ممکن است و این

امر می‌تواند به ایجاد یک جامعه سالم، عادل و با ثبات کمک کند. به این ترتیب، او به‌عنوان یک عالم دین، همواره بر اهمیت و ضرورت اجرای عدالت در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان تأکید می‌کند و این را به‌عنوان یکی از اصول بنیادین دین اسلام مطرح می‌سازد.

۷- عدالت اجتماعی و اقتصادی

آیت‌الله ملک حسینی به‌ویژه بر اهمیت عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد و معتقد است که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جوامع اسلامی است (کوچی و نویسندگان، ۱۴۰۰). او به‌وضوح بیان می‌کند که برای حل این مشکلات، باید به عدالت توجه ویژه‌ای شود و این توجه می‌تواند به عنوان یک راهکار مؤثر در بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه عمل کند. از نظر ایشان، تحقق عدالت اجتماعی می‌تواند به کاهش فقر، افزایش رفاه عمومی و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه کمک کند. او تأکید می‌کند که عدالت اجتماعی نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک نیاز اساسی برای دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت در جوامع اسلامی است (جلالی، غلامرضا. ۱۳۸۱) آیت‌الله ملک حسینی به‌عنوان یک عالم دینی، به‌ویژه بر لزوم تأسیس نهادها و مؤسسات خیریه و اجتماعی به‌عنوان راهکارهایی برای تحقق عدالت اجتماعی تأکید دارد. او معتقد است که این نهادها می‌توانند با ارائه خدمات به اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه، به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک کنند. به‌عنوان مثال، برنامه‌های حمایتی و آموزشی که توسط این نهادها ارائه می‌شود، می‌تواند به توانمندسازی افراد و خانواده‌ها کمک کرده و زمینه‌ساز ارتقاء سطح زندگی آن‌ها باشد (رحمدل، ۱۳۸۴).

ایشان همچنین به نقش دولت‌ها در تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی اشاره می‌کند و بر این باور است که دولت‌ها باید با ایجاد سیاست‌های عادلانه و شفاف، به توزیع متوازن منابع و ثروت در جامعه بپردازند. آیت‌الله ملک حسینی تأکید می‌کند که بدون وجود یک نظام حکومتی عادل و پاسخگو، تحقق عدالت اجتماعی ممکن نخواهد بود. او همچنین به اهمیت برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی اشاره می‌کند که می‌تواند به ایجاد فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه منجر شود (اخوان کاظمی، بهرام. ۱۳۷۸). علاوه بر این، آیت‌الله ملک حسینی بر این نکته تأکید دارد که اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی باید در سطح جهانی نیز مورد توجه قرار گیرد. او معتقد است که کشورهای اسلامی باید به‌عنوان یک الگو برای دیگر ملت‌ها عمل کنند و با همکاری‌های بین‌المللی در راستای عدالت اجتماعی و اقتصادی گام بردارند. به گفته ایشان، این همکاری‌ها می‌تواند به تبادل تجربیات و منابع کمک کند و در نهایت، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی منجر شود (کوچی و نویسندگان، ۱۴۰۰) آیت‌الله ملک حسینی بر این باور است که تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی تنها با پایبندی به اصول اسلامی و ارزش‌های انسانی ممکن است. او به‌عنوان یک مروج عدالت، همواره بر ضرورت اجرای این اصول در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان تأکید می‌کند و این را به‌عنوان یک نیاز اساسی برای دستیابی به یک جامعه عادلانه و پیشرفته مطرح می‌سازد.

۸- عدالت فردی

در اندیشه آیت‌الله ملک حسینی، عدالت فردی زیربنای تمامی مظاهر حیات انسانی، به‌ویژه در جامعه‌ای اسلامی است. او معتقد بود که پیش از آنکه عدالت در ساختارهای حکومتی یا اجتماعی تحقق یابد، باید در باطن افراد شکل بگیرد؛ چرا که جامعه‌ای عادل، محصول انسان‌هایی عادل است. به بیان ساده، اصلاح فردی زمینه‌ساز اصلاح اجتماعی است. آیت‌الله ملک حسینی عدالت را صرفاً مفهومی قضایی یا سیاسی نمی‌دید، بلکه آن را سبک زندگی می‌دانست. از دیدگاه او، انسان

عادل کسی است که در نیت‌ها، انگیزه‌ها، سخنان و رفتار خود انصاف، تقوا و حق‌مداری را رعایت کند. وی بارها در سخنرانی‌های خود تأکید می‌کرد که مسئولان در نظام اسلامی پیش از هر چیز باید در درون خود عدالت را تمرین کرده باشند؛ چرا که بی‌عدالتی درونی، مقدمه سقوط اخلاقی و خیانت به اعتماد مردم خواهد بود. (باوفا، محسنی، ۱۴۰۰)

ایشان همچنین عدالت فردی را شرط پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی می‌دانست و باور داشت که تا زمانی که فرد نتواند در برابر نفس خود عادل باشد، نمی‌تواند در برابر مردم نیز عادلانه تصمیم بگیرد. در همین راستا، خودسازی، تهذیب نفس، مراقبه، و محاسبه روزانه از اصولی بود که همواره در رفتار عملی آیت‌الله دیده می‌شد. به تعبیر او، «ظلم پنهان در نیت، خطرناک‌تر از ظلم آشکار در عمل است». در مجموع، عدالت فردی در منظومه فکری آیت‌الله ملک حسینی ریشه‌ای‌ترین بُعد عدالت است؛ زیرا از دل فرد عادل، خانواده‌ای سالم، مدیری امین و در نهایت، جامعه‌ای الهی رشد می‌کند. (پور فرد، ۱۳۸۷)

۹- اعتماد عمومی

اعتماد عمومی، سنگ‌بنای مشروعیت و پایداری هر نظام حکومتی است و در اندیشه آیت‌الله ملک حسینی، این مؤلفه جایگاهی اساسی در فرآیند حکمرانی اسلامی دارد. ایشان بر این باور بود که هیچ حکومتی — even with the strongest legal foundations — نمی‌تواند بدون اتکاء به اعتماد و اطمینان مردم، کارآمد و ماندگار باقی بماند. اعتماد عمومی نه تنها نشانه رضایت مردم از عملکرد مسئولان است، بلکه بازتابی از صداقت، عدالت، شفافیت و پاسخگویی در سطوح مختلف مدیریتی به شمار می‌آید. از دیدگاه فقه سیاسی اسلامی، رابطه حاکم با مردم، رابطه‌ای امانتی است و نه سلطه‌گرایانه. به بیان دیگر، مسئولان باید خود را خدمت‌گزار مردم بدانند و از هرگونه بهره‌برداری شخصی، جناحی یا قدرت‌طلبانه پرهیزند؛ چرا که هرگونه انحراف از مسیر عدالت و خدمت‌گذاری، به فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی می‌انجامد (حاجی حسینی، ۱۳۸۸)

آیت‌الله ملک حسینی همواره بر شفافیت، صداقت در گفتار و پرهیز از وعده‌های پوچ تأکید می‌کرد و این را شرط اول جلب اعتماد مردم می‌دانست. به باور او، بزرگ‌ترین سرمایه هر نظام اسلامی، ایمان و باور مردم به صداقت و کارآمدی آن نظام است؛ سرمایه‌ای که با رفتار نادرست مسئولان، بی‌توجهی به مطالبات عمومی و پنهان‌کاری، به راحتی آسیب می‌بیند. درواقع، اعتماد عمومی در اندیشه او، صرفاً یک احساس روانی یا اجتماعی نبود، بلکه سازوکاری راهبردی برای تضمین مشارکت مردم در مسیر تحقق آرمان‌های اسلامی، پیشرفت اقتصادی و حفظ انسجام ملی بود. حفظ این اعتماد، به‌ویژه در شرایط بحران، نیازمند پیروی از منش اخلاقی، شفافیت، و تلاش مداوم برای رضایت الهی و مردمی است. (سجادی، ۱۳۸۰)

آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک حسینی (ره) عدالت فردی را زیربنای عدالت اجتماعی و شرط لازم برای مسئولیت‌پذیری در نظام اسلامی می‌دانست. او معتقد بود که پیش از هرگونه اصلاح بیرونی، انسان باید در درون خود به توازن، انصاف و تقوای عملی برسد. در نگاه ایشان، عدالت فردی یعنی آنکه انسان در نیت، گفتار و رفتار خود جانب حق را رعایت کند و از ظلم به خود و دیگران پرهیزد. در اجلاسیه دوم بزرگداشت این عالم ربانی، حجت‌الاسلام سبحانی با اشاره به شخصیت ایشان گفت: «آیت‌الله ملک حسینی در صف اول عدالت‌ورزی بودند؛ شخصیتی شجاع، مردم‌دار و آگاه به چالش‌های اجتماعی که با قاطعیت در برابر انحرافات ایستادگی می‌کردند». این سخن نشان می‌دهد که عدالت‌ورزی در نگاه ایشان، از درون فرد آغاز می‌شود و تا عرصه‌های اجتماعی و سیاسی امتداد می‌یابد (کوچی و نویسندگان، ۱۴۰۰)

۱۰- نقش دولت در تحقق عدالت

از نظر آیت‌الله ملک حسینی، دولت‌ها و نهادهای اجتماعی باید به‌عنوان ضامن اجرای عدالت در جامعه عمل کنند و این امر به‌ویژه در جوامع اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است (جلالی، غلامرضا. ۱۳۸۱) او بر این باور است که حکومت اسلامی باید بر پایه اصول عدالت بنا شود و این عدالت باید در تمامی سطوح، از تصمیم‌گیری‌های کلان گرفته تا سیاست‌های محلی، اجرا شود. آیت‌الله ملک حسینی تأکید می‌کند که مسئولیت‌پذیری نهادها و مقامات در این زمینه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید در راستای تأمین حقوق شهروندان و برقراری عدالت اجتماعی تلاش کنند (رحمدل، ۱۳۸۴) ایشان به‌طور خاص بر لزوم شفافیت و پاسخگویی در عملکرد دولت‌ها تأکید می‌کند و می‌گوید که بدون این اصول، تحقق عدالت ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر، دولت‌ها باید در تمامی اقدامات خود به مردم پاسخگو باشند و شفافیت در عملکرد آن‌ها می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و افزایش مشارکت اجتماعی کمک کند. آیت‌الله ملک حسینی معتقد است که اگر دولت‌ها نتوانند به‌طور شفاف عمل کنند، احتمال بروز فساد و نابرابری‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و این امر به‌طور مستقیم بر عدالت در جامعه تأثیر منفی خواهد گذاشت (نجفی، ۱۳۷۹).

علاوه بر این، آیت‌الله ملک حسینی بر این نکته تأکید دارد که دولت‌ها باید به‌عنوان حامیان حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر عمل کنند. او بر این باور است که در یک جامعه عادلانه، همه افراد باید از حقوق برابر برخوردار باشند و دولت‌ها باید سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که به نفع اقشار ضعیف جامعه باشد. به‌عنوان مثال، ایشان تأسیس نهادهای حمایتی و اجتماعی را به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر برای تحقق عدالت اجتماعی معرفی می‌کند (ملک حسینی، ۱۴۰۲). آیت‌الله ملک حسینی همچنین به نقش آموزش و فرهنگ‌سازی در راستای تحقق عدالت اشاره می‌کند و می‌گوید که دولت‌ها باید با برنامه‌های آموزشی و ترویجی، آگاهی عمومی را در زمینه حقوق و مسئولیت‌ها افزایش دهند. این امر می‌تواند به ایجاد فرهنگی عادلانه و مسئولیت‌پذیر در جامعه کمک کند و زمینه‌ساز مشارکت فعال شهروندان در تحقق عدالت شود (رحمدل، ۱۳۸۴).

۱۱- عدالت در روابط بین‌الملل

آیت‌الله ملک حسینی بر اهمیت عدالت در روابط بین‌الملل تأکید دارد و معتقد است که کشورهای اسلامی باید در مناسبات خود با یکدیگر و دیگر ملت‌ها به اصول عدالت پایبند باشند (جلالی، غلامرضا. ۱۳۸۱) او بر این باور است که اجرای عدالت در سطح جهانی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها کمک کند و زمینه‌ساز صلح و دوستی میان ملت‌ها شود. از نظر ایشان، زمانی که کشورها به اصول عدالت احترام بگذارند و به حقوق یکدیگر توجه کنند، می‌توانند روابطی پایدار و سازنده برقرار نمایند که به نفع همه طرف‌ها باشد (اخوان کاظمی، بهرام. ۱۳۷۸). آیت‌الله ملک حسینی همچنین به این نکته اشاره می‌کند که کشورهای اسلامی باید در تعاملات بین‌المللی خود به‌ویژه در حوزه اقتصادی و سیاسی، عدالت را به‌عنوان یک اصل کلیدی در نظر بگیرند. او تأکید می‌کند که عدم رعایت عدالت در این زمینه‌ها می‌تواند به بروز مشکلات و تنش‌های جدی منجر شود و به همین دلیل، لازم است که کشورهای اسلامی با همکاری و همیاری یکدیگر به دنبال تحقق عدالت در روابط بین‌الملل باشند. ایشان به‌خصوص بر لزوم حمایت از حقوق بشر و حقوق ملل در عرصه جهانی تأکید دارد و بر این باور است که کشورها باید به‌عنوان حامیان حقوق افراد و ملت‌ها در سطح بین‌المللی عمل کنند (سجادی، ۱۳۸۰).

ایشان همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که شفافیت و صداقت در روابط بین‌الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیت‌الله ملک حسینی بر این باور است که اگر کشورهای اسلامی در تعاملات خود به‌دور از فریب و نیرنگ عمل کنند و به اصول اخلاقی پایبند باشند، می‌توانند اعتماد و احترام متقابل را در میان ملت‌ها تقویت کنند. این اعتماد متقابل می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای مناسب برای همکاری‌های بیشتر منجر شود (کوچی و نویسندگان، ۱۴۰۰). آیت‌الله ملک حسینی بر این باور است که تحقق عدالت در روابط بین‌الملل نیازمند همکاری‌های جدی و مداوم میان کشورهای اسلامی و دیگر ملت‌ها است. او به‌عنوان یک عالم دین، همواره بر اهمیت این همکاری‌ها تأکید می‌کند و این را به‌عنوان یک نیاز اساسی برای دستیابی به صلح و ثبات جهانی مطرح می‌سازد. به این ترتیب، آیت‌الله ملک حسینی بر این باور است که تنها با پایبندی به اصول عدالت می‌توان به یک نظام بین‌المللی عادلانه و پایدار دست یافت که در آن حقوق همه ملت‌ها محترم شمرده شود و زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری‌های سازنده باشد. (حاجی حسینی، ۱۳۸۸)

۱۲- یافته‌ها و نتایج

۱. جایگاه عدالت در اندیشه آیت‌الله ملک حسینی

آیت‌الله ملک حسینی، به‌عنوان یک عالم دینی و مرجع تقلید، جایگاه ویژه‌ای برای عدالت در نظام فکری خود قائل است. او عدالت را نه تنها یک اصل اخلاقی، بلکه یک ضرورت اجتماعی می‌داند که می‌تواند به بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها در ابعاد مختلف کمک کند. در نظر ایشان، عدالت باید در تمامی سطوح جامعه، از خانواده گرفته تا نهادهای دولتی و اجتماعی، جاری و ساری باشد. (دهشیری، ۱۳۷۸).

۲. تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی

آیت‌الله ملک حسینی به‌وضوح بیان می‌کند که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی از چالش‌های جدی جوامع اسلامی است و برای رفع این مشکلات، توجه به عدالت ضرورت دارد. ایشان به‌ویژه به تأسیس نهادهای خیریه و اجتماعی اشاره می‌کند که می‌توانند به کاهش فقر و نابرابری‌ها کمک کنند. این نهادها با ارائه خدمات به اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر، زمینه‌ساز ارتقاء سطح زندگی آن‌ها خواهند بود.

۳. نقش دولت در تحقق عدالت

آیت‌الله ملک حسینی بر لزوم شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها تأکید دارد. او معتقد است که بدون وجود یک نظام حکومتی عادل و پاسخگو، تحقق عدالت در جامعه ممکن نخواهد بود. دولت‌ها باید به‌عنوان ضامن اجرای عدالت عمل کرده و حقوق شهروندان را تأمین کنند. این امر شامل ایجاد سیاست‌های عادلانه و شفاف، توزیع متوازن منابع و ثروت و حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر است.

۴. اعتماد عمومی و حکومت

اعتماد عمومی به‌عنوان سنگ‌بنای مشروعیت هر نظام حکومتی در اندیشه آیت‌الله ملک حسینی مطرح است. او بر این باور است که اعتماد مردم به حکومت، نتیجه صداقت، شفافیت و عدالت در سطوح مختلف مدیریتی است. هرگونه انحراف از مسیر عدالت، می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و در نتیجه، به فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شود. آیت‌الله ملک حسینی بر لزوم شفافیت و صداقت در گفتار و عمل مسئولان تأکید می‌کند تا بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند. (نجفی، ۱۳۷۹).

۵. عدالت در روابط بین الملل

آیت الله ملک حسینی بر اهمیت عدالت در روابط بین الملل تأکید دارد و معتقد است که کشورهای اسلامی باید در تعاملات خود به اصول عدالت پایبند باشند. او به این نکته اشاره می کند که اجرای عدالت در سطح جهانی می تواند به کاهش تنش ها و درگیری ها کمک کند و زمینه ساز صلح و دوستی میان ملت ها شود. همچنین، او بر لزوم حمایت از حقوق بشر و حقوق ملل در عرصه جهانی تأکید دارد. (اتفاق فر، و ولدی، ۱۳۹۹).

۶. تحقق عدالت در زندگی فردی و اجتماعی

آیت الله ملک حسینی بر این باور است که تحقق عدالت باید از سطح فردی آغاز شود. به این معنا که هر فرد باید در رفتار و نیت خود انصاف و تقوا را رعایت کند. اصلاح فردی به عنوان زیربنای اصلاح اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته می شود. او معتقد است که اگر هر فرد در نیت و عمل خود به عدالت پایبند باشد، می تواند به ایجاد یک جامعه عادلانه و سالم کمک کند. (رضوی جیفانی، خشایار. ۱۴۰۴)

۷. پیامدهای عدم تحقق عدالت

آیت الله ملک حسینی به پیامدهای منفی عدم تحقق عدالت نیز اشاره می کند. او هشدار می دهد که نابرابری ها و بی عدالتی ها می توانند به بحران های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منجر شوند. این امر نه تنها به تضعیف انسجام اجتماعی می انجامد، بلکه می تواند موجب نارضایتی عمومی و در نتیجه، ناپایداری های سیاسی و اجتماعی شود. با این توضیحات، می توان گفت که آیت الله ملک حسینی به عنوان یک عالم دینی با نگرشی جامع و عمیق به مفهوم عدالت، نه تنها بر اهمیت این اصل در زندگی فردی و اجتماعی تأکید دارد، بلکه تلاش می کند تا از طریق راهکارهای عملی، زمینه ساز تحقق آن در جامعه اسلامی شود. (حاجی حسینی، ۱۳۸۸)

چالش های مربوط به جایگاه عدالت در اندیشه آیت الله ملک حسینی

۱. عدم تحقق عدالت در عمل:

عدم تحقق عدالت در عمل یکی از چالش های بنیادی در راستای اجرای اصول عدالت در جامعه است. در حالی که آیت الله ملک حسینی بر اهمیت عدالت به عنوان یک اصل اساسی در زندگی فردی و اجتماعی تأکید می کند، در عمل با موانع متعددی روبه رو هستیم. فساد اداری، تبعیض های اجتماعی و اقتصادی، و عدم شفافیت در تصمیم گیری ها از جمله عواملی هستند که می توانند اجرای عدالت را با مشکل مواجه (فدایی مهربانی، ۱۳۸۶). این موانع نه تنها به تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و قضایی منجر می شوند، بلکه احساس نابرابری و بی عدالتی را در جامعه افزایش می دهند. بنابراین، برای تحقق عدالت در عمل، ضروری است که ساختارهای نهادینه شده اصلاح شوند و شفافیت و پاسخگویی در فرآیندهای تصمیم گیری تقویت گردد. (کوچی و نویسندگان، ۱۴۰۰)

۲. نقص در نهادهای قضایی و اجرایی: نقص در نهادهای قضایی و اجرایی

نقص در نهادهای قضایی و اجرایی یکی از چالش های جدی در مسیر تحقق عدالت در جامعه است. نهادهایی که باید به عنوان ضامن اجرای عدالت عمل کنند، اغلب با مشکلاتی از جمله کمبود منابع مالی و انسانی، نقص در قوانین و فقدان استقلال مواجه هستند (سجادی، ۱۳۸۰). این مسائل می توانند مانع از کارآمدی این نهادها در اجرای عدالت شوند و موجب بی اعتمادی عمومی به نظام قضایی گردند. وقتی افراد جامعه احساس کنند که نهادهای قضایی و اجرایی قادر به تأمین عدالت نیستند، این موضوع می تواند به کاهش اعتماد به قوانین و نهادهای حکومتی منجر شود. بنابراین، برای

تقویت عدالت در جامعه، ضروری است که اصلاحات اساسی در نهادهای قضایی و اجرایی انجام شود تا منابع کافی تأمین و استقلال این نهادها حفظ گردد. (رحمدل، ۱۳۸۴)

۳. تبعیض و نابرابری:

تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی یکی از موانع جدی در راستای تحقق عدالت در جامعه هستند. عواملی نظیر نژاد، جنسیت، و وضعیت اقتصادی می‌توانند به شدت بر فرصت‌های برابر برای افراد تأثیر منفی بگذارند و عدالت را در ابعاد مختلف اجتماعی تحت تأثیر قرار دهند (باوفا، محسنی، ۱۴۰۰). این تبعیض‌ها نه تنها به نابرابری در دسترسی به منابع و امکانات منجر می‌شوند، بلکه می‌توانند احساس بی‌عدالتی و نارضایتی عمومی را افزایش دهند. در جوامعی که تبعیض به شکل گسترده‌ای وجود دارد، اعتماد به نهادهای اجتماعی و حکومتی کاهش می‌یابد و افراد احساس می‌کنند که برای تحقق حقوق خود باید با موانع جدی مواجه شوند. برای مقابله با این چالش، ضروری است که سیاست‌ها و برنامه‌های عدالت‌محور تدوین و اجرا شوند تا به ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه کمک کنند. (رضوی جیفانی، خشیایار. ۱۴۰۴)

۴. کم‌توجهی به آموزش و فرهنگ‌سازی:

کم‌توجهی به آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه عدالت یکی از چالش‌های اصلی در تحقق این مفهوم در جامعه است. بدون آموزش مناسب، فهم و پذیرش عدالت به عنوان یک اصل اساسی در زندگی اجتماعی دشوار می‌شود (باوفا، محسنی، ۱۴۰۰). آیت الله ملک حسینی بر نقش کلیدی آموزش در ارتقاء آگاهی عمومی و ترویج اصول عدالت تأکید دارد، اما در عمل، کمبود منابع مالی و انسانی می‌تواند مانع از اجرای مؤثر برنامه‌های آموزشی در این زمینه گردد. عدم توجه به فرهنگ‌سازی عدالت در مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای اجتماعی می‌تواند منجر به عدم شناخت و پذیرش این مفهوم از سوی نسل‌های آینده شود. بنابراین، سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش و فرهنگ‌سازی برای ترویج عدالت و ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، ضروری است تا بستر مناسبی برای تحقق عدالت فراهم شود (پور فرد، ۱۳۸۷).

۵. چالش‌های اقتصادی:

چالش‌های اقتصادی از جمله فقر، بیکاری و ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی، می‌توانند به طور جدی مانع از تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه شوند. در شرایطی که افراد با مشکلات مالی و عدم دسترسی به منابع اولیه مواجه هستند، مفهوم عدالت به راحتی نادیده گرفته می‌شود و نیازهای اساسی آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد (دهشیری، ۱۳۷۸). این وضعیت نه تنها باعث افزایش نابرابری می‌شود، بلکه می‌تواند به بروز نارضایتی اجتماعی و تنش‌های سیاسی منجر گردد. وقتی افراد نتوانند نیازهای اولیه خود را تأمین کنند، احساس بی‌عدالتی و ناامیدی در جامعه گسترش می‌یابد. بنابراین، برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی، ضروری است که دولت‌ها و نهادهای اجتماعی به مشکلات اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته باشند و سیاست‌های مؤثری برای کاهش فقر و بیکاری اتخاذ کنند.

۶. تعارض منافع:

تعارض منافع یکی از موانع جدی در راستای اجرای عدالت در جامعه است. در بسیاری از مواقع، گروه‌های اجتماعی و سیاسی که در موقعیت‌های قدرت قرار دارند، ممکن است به جای پیگیری عدالت، به دنبال منافع شخصی و گروهی خود باشند (رضوی جیفانی، خشیایار. ۱۴۰۴). این وضعیت می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی و

قضایی منجر شود و زمینه‌سازی عدالتی و نابرابری در جامعه گردد. وقتی تصمیم‌گیرندگان به جای توجه به نیازهای عمومی و عدالت اجتماعی، به منافع شخصی خود اهمیت می‌دهند، اجرای قوانین و سیاست‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این امر می‌تواند به نارضایتی و تنش‌های اجتماعی منجر شود. برای مقابله با این چالش، ضروری است که شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری افزایش یابد و مکانیزم‌های نظارتی مؤثری برای جلوگیری از تعارض منافع تدوین و اجرا شوند. (رحمدل، ۱۳۸۴)

۷. عدم همگرایی سیاسی:

عدم همگرایی سیاسی یکی از عوامل مؤثر در مانع‌تراشی برای تحقق عدالت اجتماعی است. در جوامعی که نهادهای سیاسی به جای همکاری، درگیر اختلافات و تنازعات هستند، فرآیند تصمیم‌گیری برای اجرای عدالت به شدت مختل می‌شود (فدایی مهربانی، ۱۳۸۶). نبود یک رویکرد مشترک در زمینه عدالت می‌تواند موجب ناامیدی و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادهای حکومتی شود و افراد را از مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی بازدارد. در چنین فضایی، نیازهای واقعی جامعه نادیده گرفته می‌شود و عدالت اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود. برای مقابله با این چالش، لازم است که نهادهای سیاسی به یک توافق و همگرایی در زمینه اصول عدالت دست یابند و رویکردهای مشترکی برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم اتخاذ کنند. این همکاری می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و ایجاد بستر مناسب برای اجرای عدالت کمک کند.

نتیجه‌گیری کلی

آیت‌الله ملک حسینی به‌عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته در عرصه علم و دین، نقش مهمی در تبیین مفهوم عدالت در جوامع اسلامی ایفا کرده است. او بر این باور است که عدالت نه تنها یک اصل اخلاقی و دینی، بلکه یک ضرورت اجتماعی و سیاسی است که می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع کمک کند. این دیدگاه او بر اساس آموزه‌های اسلامی، تجارب تاریخی و نیازهای معاصر شکل گرفته است. یکی از نکات کلیدی در اندیشه آیت‌الله ملک حسینی، تأکید بر پیاده‌سازی عدالت در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. او معتقد است که برای تحقق عدالت، باید از سطح فردی آغاز شود. به تعبیر وی، انسان عادل می‌تواند جامعه‌ای عادلانه بسازد و این امر مستلزم خودسازی، تهذیب نفس و رعایت انصاف در نیت و عمل است. این رویکرد نشان می‌دهد که اصلاح فردی به‌عنوان زیربنای اصلاح اجتماعی و سیاسی ضروری است و بنابراین، توجه به آموزش و تربیت نسل‌های جدید در راستای ارزش‌های انسانی و اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آیت‌الله ملک حسینی همچنین بر اهمیت عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند. او به‌وضوح بیان می‌کند که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جوامع اسلامی است و برای رفع این مشکلات، توجه به عدالت ضرورت دارد. در این راستا، تأسیس نهادها و مؤسسات خیریه و اجتماعی به‌عنوان راهکارهایی برای تحقق عدالت اجتماعی مطرح می‌شود. این نهادها می‌توانند با ارائه خدمات به اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد، زمینه‌ساز ارتقاء سطح زندگی آن‌ها شوند. نقش دولت‌ها در تحقق عدالت نیز یکی از محورهای اصلی اندیشه آیت‌الله ملک حسینی است. او بر این باور است که دولت‌ها باید به‌عنوان ضامن اجرای عدالت در جامعه عمل کرده و شفافیت و پاسخگویی در عملکرد آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدون وجود یک نظام حکومتی عادل و پاسخگو، تحقق عدالت ممکن نخواهد بود. آیت‌الله ملک حسینی تأکید می‌کند که دولت‌ها باید سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که به نفع اقشار

ضعیف جامعه باشد و از حقوق آن‌ها حمایت کنند. این رویکرد می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و افزایش اعتماد عمومی کمک کند. از دیگر نکات مهم در اندیشه آیت‌الله ملک حسینی، توجه به عدالت در روابط بین‌الملل است. او معتقد است که کشورهای اسلامی باید در تعاملات خود به اصول عدالت پایبند باشند و اجرای عدالت در سطح جهانی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها کمک کند. در این زمینه، او بر لزوم حمایت از حقوق بشر و حقوق ملل در عرصه جهانی تأکید دارد و بر این باور است که تنها با پایبندی به اصول عدالت می‌توان به یک نظام بین‌المللی عادلانه و پایدار دست یافت. در نهایت، می‌توان گفت که آیت‌الله ملک حسینی با تأکید بر اهمیت عدالت و ارائه راهکارهای عملی برای تحقق آن، به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و انسانی‌تر است. او بر این باور است که تنها با برقراری عدالت می‌توان به آرامش و ثبات اجتماعی دست یافت و جامعه‌ای سالم و پیشرفته ایجاد کرد. این مفهوم عدالت در اندیشه‌های اسلامی نه تنها به عنوان یک اصل اخلاقی و دینی، بلکه به عنوان یک نیاز اساسی برای دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت جوامع اسلامی مطرح می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱) سجادی، سید عبدالقیوم. (۱۳۸۰). جایگاه عدالت در اندیشه سیاسی محقق نراقی. علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، (۱۳)، ۱۲۴-۱۳۵.
- ۲) اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر جایگاه عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام. دین و ارتباطات، (۱۰)، ۷-۳۲.
- ۳) اتفاق‌فر، فرشته سادات، و ولدی، فواد. (۱۳۹۹). عدالت در اندیشه سیاسی خواجه نظام‌الملک. مسکویه، (۵۴)، ۶۰-۶۶.
- ۴) رضوی جیفانی، خشایار. (۱۴۰۴). تحلیل نظریه عدالت در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی با تمرکز بر اخلاق ناصری. تاریخ نو، (۳۳)، ۶۵-۷۷.
- ۵) حاجی حسینی، حسن. (۱۳۸۸). جایگاه عدالت و توسعه در کارویژه‌های دولت دینی. معرفت، (۱۴۵)، ۷۵-۹۶.
- ۶) فدایی مهربانی، مهدی. (۱۳۸۶). ای درویش (عزیزالدین نسفی و تأسیس اندیشه سیاسی بر مبنای اندیشه عرفانی). خردنامه همشهری، (۱۵)، ۳۷-۳۸.
- ۷) نجفی، موسی. (۱۳۷۹). اندیشه سیاسی در کتب تاریخ. نامه فرهنگ، (۳۵)، ۱۰۲-۱۱۴.
- ۸) دهشیری، محمد رضا. (۱۳۷۸). مناسبات دین و دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، (۱)، ۶۲-۷۱.
- ۹) پور فرد، مسعود. (۱۳۸۷). مبانی و مبادی اندیشه سیاسی شهید صدر. حکومت اسلامی، (۵۰)، ۱۵۵-۱۸۴.
- ۱۰) کوچی، امیر، اسدیگی، جعفر، و خواجه میرزا، محمود (نویسنده مسئول). (۱۴۰۰). نقش علمای دین در تحولات آموزشی ولایت قهستان (از سلجوقیان تا پایان قاجار). پژوهشنامه تاریخ، (۶۲)، ۱۴۳-۱۶۳.
- ۱۱) کوچی، امیر، اسدیگی، اردشیر، و خواجه میرزا، محمود (نویسنده مسئول). (۱۴۰۰). نقش علمای دین در تحولات آموزشی ولایت قهستان (از سلجوقیان تا پایان قاجار). پژوهشنامه تاریخ، (۶۳)، ۱۶۱-۱۸۲.
- ۱۲) جلالی، غلامرضا. (۱۳۸۱). نهضت حسینی در شاعرانه‌های علمای دین از قاجار تا انقلاب اسلامی. حوزه، (۱۹)، ۱۱۳-۱۱۴.
- ۱۳) رحمدل، غلامرضا. (۱۳۸۴). سیمای علمای دین در شعر انقلاب. علامه، (۶)، ۴۱-۶۴.

۱۴) باوفا، مرجان و محسنی، طاهره. (۱۴۰۰). واکاوی دیدگاه مغنیه درباره‌ی علمای دین. پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده، (۱۴)، ۱۴۷-۱۷۲.

The Place of Justice in the Thought of Ayatollah Malek Hosseini

Mehdi Goodarzi Motlagh *¹

Abstract

This article examines the place of justice in the thought of Ayatollah Malek Hosseini. In Ayatollah Malek Hosseini's thought, justice has a fundamental and multidimensional place that is manifested and emerges not only in the field of jurisprudence and law, but also in the fields of ethics, governance and social life. He considers justice to be an innate, divine and ongoing matter at all levels of human life; an element that guarantees the establishment of balance, security and human dignity. In his belief, justice is not just an abstract concept or slogan, but requires objective realization in individual and social structures. Relying on the foundations of the Quran and the teachings of the Ahl al-Bayt (a.s.), Malek Hosseini emphasizes the point that justice is a prelude to the growth and exaltation of humans and that any deviation from it leads to the weakening of faith, increasing oppression and the collapse of public trust. From his perspective, one of the main missions of the Islamic government is to implement justice at different levels of society; from the fair distribution of resources to the elimination of discrimination and corruption. Given the importance of justice as one of the fundamental principles in the Islamic system, the aim of this article is to analyze and explain the views of this scholar and religious figure in various areas of social, economic, and political justice. In this regard, first the concept of justice in religious texts and then Ayatollah Malek Hosseini's views on the realization of justice in Islamic society are examined. Also, the challenges and obstacles on the path to realizing justice and his proposed solutions to overcome these obstacles are analyzed.

Keywords

Justice, Ayatollah Malek Hosseini, Islamic thought, social justice, economic justice, individual justice, challenges of justice

1. Master of Political Science, Yasuj University (Mehdigm423@gmail.com) *